



انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

السامی فی الاسامی

تألیف

ابوالفتح احمد بن محمد میدانی نیشابوری

یکی از انتشارات سودمند بنیاد فرهنگ ایران کتاب پرارزش السامی فی الاسامی تألیف ابوالفتح احمد بن محمد میدانی نیشابوری (متوفی به سال ۵۱۸ هـ ق) است. اگر بخواهیم در تاریخ لغت دستگامی بررسی کنیم باید اذعان نماییم که دوتن دانشمند نیشابوری : ثعالبی صاحب فقه اللغه و میدانی مؤلف السامی ، بیش از دیگران در این راه کوشیده و یادگارهای نفیسی از خود به جای گذارده اند . السامی فی الاسامی از چندین نظر برای دوستداران ادب پارسی حائز اهمیت می باشد . نخست آنکه لغتی دستگامی است و هر چند نسبت به نیازمندیهای عصر ما موجز است اما از لحاظ قدمت و چگونگی تقسیم بندی مطالب درخور توجه می باشد . دوم آنکه لغت های فارسی اصیلی در آن می توان یافت که در فرهنگها آنها را نیاورده اند، و گذشته از اینها کتاب مزبور از لحاظ دستگامی بودن به همه نیازمندیهای عصر خویش در نگرسته و لغت های مربوط به آنها را به دوزبان فارسی و عربی آورده است .

نسخه عکسی بنیاد فرهنگ از روی نسخه ای عکسبرداری و چاپ شده که هشتاد و سه سال پس از مرگ مؤلف یعنی سال ۶۰۱ هـ ق نوشته شده است. تردیدی نیست که این چاپ در شرایطی که دوستداران ادب فارسی در کشور ما روز بروز فزونی می یابند و نسخه های چاپی قدیم در بازار کمیاب و بلکه نایاب می باشد ، بسیار به موقع انتشار یافته و خدمتی به ادب پارسی است. اما اگر فهرست لغت های آن هم درآینده منتشر گردد باز هم ضرورت خواهد داشت که يك چاپ مصحح انتقادی جامع از آن انتشار یابد، یعنی محققى علاقه مند همت گمارد و از لحاظ ضبط و صورت درست کلمه های عربی و فارسی به تحقیق پردازد و حواشی سودمندی درباره همه مطالب آن در دسترس خوانندگان بگذارد . به ویژه که چندی پیش این کتاب در قاهره نیز طبع شده و

لغت‌های فارسی آن به‌همت دکتر محمد موسی هندوای به‌عربی ترجمه شده که متأسفانه دارای اغلاط چاپی و غیرچاپی فراوانی است از قبیل : سزایی به‌جای سزای ص ۱۵- و عرز به‌جای : عرز همان صفحه و گرویده به‌جای گرونده همان صفحه - وللمعانی به‌جای للمعانی ص ح- و دوست به‌جای دوستدار ص ۱۸- و به‌خدای به‌جای : به‌خدایی . همان صفحه و کارداران به‌جای کارران همان صفحه - و بقدر به‌جای به قدرت ص ۲۱- و ترجمه‌هایی از قبیل : بسنده به‌معنی کافی، حمید، به‌معنی : پسندیده ص ۱۸ ، و ترجمه مهتر به‌احسن ، در صورتی که صحیح : اکبر است ص ۲۰۸ ، و ترجمه زنبیل روغن گران (روغن گران) به : زنبیل لحم السمن . ص ۲۱۱- و غلطهای دیگری چون : خرز به‌جای حرز ص ۱۷۲ ، وليلة الصل (شب چک) به‌جای : ليلة الصلک ص ۳۶۲ ، و جزاینها . که مایه اطناب می‌شود .

نگارنده چندی پیش یادداشت‌هایی درباره‌ی بازیهای کودکان گرد می‌آوردم از اینرو بدین کتاب که فصل خاصی در این موضوع دارد درنگریستم و چون برخی از قسمتهای آن غلط به‌نظر می‌رسید نسخه چاپی را گاهی با نسخه‌ای خطی که در کتابخانه لغتنامه دهخدا هست مقابله می‌کردم ، و سرانجام قصد کردم این کار را که تصحیح متن است به‌پایان برم . اما پس از چندی گرفتاریهای دیگر این هدف را در بوته تأخیر افکند ، اینک که نسخه عکسی بنیاد در دسترس قرار گرفته و نسخه چاپی قاهره نیز با همه غلطهایی که در آن هست می‌تواند کمک خوبی باشد ، و از همه مهمتر نسخه‌های دیگری نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است ، زمینه خوبی برای تصحیح متن مزبور فراهم است و بی‌گمان جوانان دانشمند به‌این خدمت ملی و ادبی همت خواهند گماشت .

باری برخی از یادداشت‌های قدیم را درباره‌ی بازیها با نسخه چاپ قاهره و نسخه بنیاد مقابله کردم که اینک به‌نظر خوانندگان عزیز می‌رسد :

چاپی قدیم : جیبی جعل سکندر (ص ۴۴)

چاپی عربی : (جیبی) : جعل سکندر . اسم لعبة . (ص ۱۷۳)

چاپ عکسی بنیاد : جیبی جعل سکندر . (ص ۲۰۶)

درفر هنگها این بازی ، یعنی نام عربی آن به‌دو صورت مختلف بدینسان آمده است : ۱- جیبی جعل ، که در ذیل اقرب‌الموارد به‌نقل از لسان العرب در ذیل کلمه جعل چنین معنی شده است : لعبة یلعب بها الصبيان یضع الصبی رأسه علی الارض ثم ینقلب علی الظهر . و در ریشه (جیبی یا جبو) (تجیبی) بدین معنی آمده است : نهادن هر دو دست خود را بر دو زانوی خود یا بر زمین یا بر روی افتادن . (از اقرب و منتهی الارب)

۲- حبا جعل : صاحب منتهی الارب در ذیل کلمه جعل می‌نویسد : بازی است مر کودکان عرب را و هو ان یضع الصبی رأسه علی الارض ثم ینقلب علی الظهر . در لغتنامه دهخدا نیز در حرف (ح) آمده است : حبا جعل : بازی است کودکان عرب را و آن چنان است که کودک سرخویش بر زمین نهادن گاه بر پشت گردد . کله معلق . در عراق این بازی را ابو جعل (تشبیه به جانور معروف) گویند .

و در ریشه (حبو) این معنی دیده می شود که تاحدی بی مناسبت با معنی اصطلاحی نیست:
 حبال الرجل : بردست و شکم رفت . حبال الصبی : بر سرین رفت کودک و بلند کرد سینه را .
 (از منتهی الارب و اقرب الموارد)

چنانکه ملاحظه می شود در دو نسخه چاپی قدیم و عکسی نام عربی و فارسی بازی چنان باهم نوشته شده که خواننده کمتر می تواند به سهولت آنها را از هم باز شناسد . و گویا به همین سبب مصحح چاپ عربی شهابی نشان داده و کلمه (جبی) را عربی و (جعل سکندر) را فارسی دانسته و به خیال خود بانوشتن (جبی) در داخل پراکنش اشکال نسخه های خطی را رفع کرده است، اما این غلط فاحش بیگمان خواننده را بیشتر دچار سرگیجه می کند که چگونه جعل عربی با (سکندر) غیر عربی دست به هم داده و بازیی ترتیب داده اند !

چیزی که هست هر خواننده چاپ عربی پس از خواندن چند صفحه به غلطهای فراوان آن پی میبرد و در این کلمه هم خود بخود شك میکند بنا بر این آنچه مسلم است این است که (جبی جعل) یا (حباجعل) نام عربی بازی و (سکندر) نام فارسی آن است . صاحب برهان در ذیل معانی سکندر می نویسد : سرنگون . و نام یکی از بازیها است ، و آن چنان باشد که هر دو کف دست خود را بر زمین گذارند و هر دو پای خود را در هوا کرده راه روند . و چنانکه ملاحظه می شود بازی : حباجعل یا جیبی جعل با این بازی تفاوت دارد . شاید لغت نویسان بازی مزبور را نوعی بازی سکندر یا مشابه آن شمرده و سپس به طور مسامحه آن را (سکندر) معنی کرده اند ، این نوع اختلافها در بازیهای دیگر هم دیده می شود چنانکه جستجو کننده را برمی انگیزد که در باره خود بازیها نیز به تحقیق و جستجوی عمیق همت گمارد .

همچنین در چاپی قدیم : التدیخ مزیده . و در چاپی عربی : (التدیخ) مزیده . و در چاپ عکسی نیز التدیخ مزیده است : در برهان نیز (تدمیح) آمده ، و از قضا هر سه مصدر عربی مذکور از لحاظ معنی نزدیک به هم هستند ؛ **تدیخ** : گستردن پشت را و سرپست فرود آوردن در رکوع و جز آن . (منتهی الارب)

تدیخ : گوژ کردن پشت را و سرپست فرود آوردن و سرین بیرون کردن . (منتهی الارب) .
تدمیح : فرود آوردن و پست نمودن سر خود را . (منتهی الارب)
 اما در یک نسخه مصحح انتقادی بی گمان باید به این گونه اختلافها و صورت و ضبط صحیح هر یک اشاره شود .

اینک ببینیم (مزیده) چگونه بازی است . صاحب برهان می نویسد : مزیده : بازیی باشد که آن را مزاد و خرنده گویند و آن به تفصیل در لغت مزاد گفته شده است . و بازی خیز بگیر را نیز گویند و آن هم در لغت خیز بگیر مذکور گردیده است و به این معنی بازی فارسی هم آمده است (مزیده) . و در ذیل مزیده نیز آن را به معنی : خیز بگیر و مزاد آورده و به آنها رجوع داده است . در ذیل (مزاد) نوعی بازی را بدینسان شرح می دهد :

دو کس در برابر یکدیگر خم شده بایستند و سر بر سر هم نهند و سر ریسمانی بردست گیرند و یک سر دیگر آن ریسمان را شخصی بردست گیرد و بر دور و پیش ایشان می گردد و نمی گذارد

که کسی برایشان سوار شود و بر پشت ایشان نشیند ، و شخصی را که محافظت ایشان می کند **خر بنده** گویند . چون آن شخص پای خود را بر هر یک از حریفان بزند او را بیاورد و به جای آن دو کس باز دارد ، و همچنین محافظت آن يك کس می کند تا دیگری پا خورد و آمده سر بر سر شخص اول نهد ، و اگر احیاناً شخصی از حریفها بر آنها سوار شود فرود نمی آید تا دیگری به دام نیفتد ، بعد از آن همه خلاص شوند و حالت اول دست دهد . **و این بازی را عربان تدمیخ** (بادال بی نقطه برون تفتیح) خوانند . و بازر ذیل (خر بنده) می نویسد : نوعی که به تفصیل در لغت : (خر بازان) مذکور شد و در ذیل خربازان همان شرحی را که برای بازی (مزاد) آورده باندکی تغییر یاد می کند و در پایان می نویسد : و به عربی این بازی را تدمیخ گویند .

و در ذیل بازی خیز بگیر می نویسد : نوعی از بازی باشد ، و آن چنان است که جمعی به طریق دایره بر سر پا می نشینند و شخصی بر دور همین دایره از دنبال دیگری می دود ، اگر همان لحظه او را گرفت ، بر گردن او سوار می شود ، و بر دور دایره می گرداند ، و اگر پاره ای دوید و نتوانست بگیرد یا نزدیک به گرفتن رسید ، آن شخصی که می گریزد یکی را از مردم همان دایره می گوید که : «بر خیز و بگیر» و خود به جای او می نشیند و آن شخص از دنبال دوندۀ اول می دود و او می گریزد و همچنین آن مقدار که خواهند . و آن را **خیز بگیر** هم می گویند .

چنانکه ملاحظه شد نام عربی : تدمیخ . تدمیخ . تدمیخ و نام فارسی : مزیده . مژیده . مزاد . خربنده . خربازان . خیز بگیر . خیز گیر هم آمده است و چنین اختلافها ایجاب می کند که پس از آن که در تمام فصلهای این کتاب گرانمایه درباره همه مطالب تحقیقات دقیق بعمل آید نسخه ای مصحح و منقح انتشار یابد .

محمد پروین گمابادی

انتشارات بعثت

مؤسسۀ بعثت بتازگی ایجاد شده و چنان که از نام آن آشکار است انتشارات آن بیشتر جنبه مذهبی دارد .

تاکنون چند کتاب از این مؤسسۀ ارجمند بدفتر مجله رسیده که همه خوب است و شایستۀ تحسین .

اسرار شغب ماندگی شرق : تأثیرات ناگوار تمدن غرب است بر شرق ، و راهنمایی هائی در رهائی ازان ، نویسنده کتاب ناصر مکارم است .

حماسۀ فلسطین : با مقدمه ای پرمغز از فخرالدین حجازی ، متضمن اشعاری است حماسی و مهیج از شاعران عرب و ایران ، که اشعار عربی را علی رضا نوری ترجمه فرموده است .

آئین زنده تألیفی مستدل در اخلاق ، با استناد از قرآن مجید و کتاب مقلّس ، و دیگر کتب مذهبی و اخلاقی .

انتشارات بعثت تاکنون ظاهراً از هفت کتاب در گذشته است .

توفیق کارکنان این مؤسسۀ شریف را آرزومند است .